

راديو فردا در هفته‌ای که گذشت! (شماره ۱۳۰)

۰۸/۱۰/۱۳۹۵ الی ۰۱/۱۰/۱۳۹۵

راديو ديروز با تنظيم و انتشار يکصد و سي‌امين شماره از مجله هفتگی خود با عنوان "راديو فردا در هفته ای که گذشت!"، بخشی از مهم‌ترین برنامه‌ها و گزارش‌های راديو فردا در بازه زمانی نخستین هفته از دی ماه ۱۳۹۵ را به طور خلاصه مورد بررسی و تحلیل قرار داده است.

راديو ديروز گزارش می‌دهد؛

فصل زمستان ۱۳۹۵ نیز در شرایطی وارد دومین هفته از دی ماه شده است که هفت روز اول این فصل با حواشی، اخبار و رویدادهای خاص و متفاوتی همراه بوده است که هر کدام به شکلی و به نوعی خاص توسط ابزارهای رسانه ای وابسته به دولت‌های غربی از جمله رسانه صهیونیستی – آمریکایی راديو فردا مورد بهره برداری جهت دار و بازتابی در راستای اهدافشان قرار گرفته‌اند.

با این وجود، راديو ديروز تلاش کرده است تا با انتشار و تنظيم مجله ای هفتگی با عنوان "راديو فردا در هفته ای که گذشت!"، بخشی از مهم‌ترین برنامه‌ها و گزارش‌های این رسانه فارسی زبان وابسته به کاخ سفید را به طوری خلاصه وار و در بازه‌های زمانی هفت روزه مورد بررسی و تحلیل قرار دهد.

بر این اساس، آن چه در ادامه مطالعه خواهید کرد، یکصد و سي‌امين شماره از این مجله هفتگی راديو ديروز است که به بررسی بخشی از فعالیت‌های راديو فردا در طول نخستین هفته از دی ماه سال ۱۳۹۵ (۰۱ الی ۰۸ دی ماه ۱۳۹۵) پرداخته است.

شما مخاطبین گرامی می‌توانید در یکصد و سي‌امين شماره مجله هفتگی راديو ديروز، بررسی موضوعاتی مختلف از قبیل نامه خائنانه ضد انقلاب به رئیس جمهور آینده آمریکا و واکنش کارکنان راديو فردا به این نامه و قیحانه، واکنش این رسانه آمریکایی به قطعنامه ضد اسرائیلی شورای امنیت با بزرگنمایی قطعنامه حقوق بشری سازمان ملل علیه ایران، تلاش راديو فردا برای تبلیغ مصرف مشروبات الکلی در ایران، خاطره بازی این رسانه فارسی زبان با آثار سیاست‌های غرب در سوریه و ... را مورد مشاهده نمایید.

داستان خیانتی بزرگ!

یکی از مهم‌ترین رویدادهای خبری این هفته، داستان خیانتی بزرگ است که عده ای ایرانی نما، در حق ملت و کشور ایران انجام داده‌اند؛ در این هفته ۳۰ تن از عناصر ضد انقلاب غرب نشین، نامه ای را خطاب به "دونالد ترامپ" رئیس جمهوری آینده ایالات متحده آمریکا نوشته و در آن رسماً و با افتخار خواستار اعمال تحریم‌های بیشتر و شدیدتر علیه کشورمان شده‌اند؛ نامه ای که خیانتکار بودن این قشر و دروغ بودن دلسوزی‌هایشان را به شکلی غیر قابل انکار به نمایش می‌گذارد.

در همین راستا، در بخش ابتدایی این شماره از مجله هفتگی راديو ديروز به بررسی واکنش تعدادی از کارکنان رسانه صهیونیستی – آمریکایی راديو فردا به این نامه می‌پردازیم؛ جایی که این افراد با درک خیانت بزرگ صورت گرفته، تلاش کرده‌اند تا هر کدام به شکلی خود و راديو فردا را از پیامدهای این رفتار و قیحانه دور نگاه دارند.

غلط زیادی ضد انقلاب با نگارش نامه خائنانه

یکی از کارکنان رادیو فردا که در این هفته به نامه خائنانه ضد انقلاب به ترامپ واکنش نشان داده است، "کامبیز حسینی" مجری و برنامه ساز این رسانه دولتی آمریکایی است که با پیامی تلاش کرده است تا با اعتراض به محتوای این نامه، نگارش را غلطی زیادی از سوی ضد انقلاب دانسته و در نتیجه حداقل در ظاهر به گونه ای وانمود کند که عقاید وی با افراد امضاکننده این نامه متفاوت و در تعارض است.

"کامبیز حسینی" در صفحه فیس‌بوک خود با انتشار مطلبی نوشته است: «از زمانی که "نامه به ترامپ" در فضای مجازی "داستان" شده است گروه زیادی از دوستان این صفحه نظر من را خواسته‌اند و باید عرض کنم که مواضع من کاملاً در برنامه‌هایی که تهیه می‌کنم مشخص است و با هر گونه تحریم و جنگ و خشونت و این حرف‌ها مخالفم. تحریم هوشمند و غیر هوشمند نداریم! تحریم تحریم است و دودش به چشم مردم عادی می‌رود. اصلاً اگر کسی هوش داشت که جنگ و تحریم راه نمی‌انداخت. هوشمندانه‌ترین کار ممکن صلح است. ضمن اینکه لزوماً کسی که دم از صلح می‌زند موافق جمهوری اسلامی نیست! هر کس هم به ترامپ نامه نوشت غلط کرد!»

این در حالی است که این مجری با سابقه ضد ایرانی با تولید و اجرای برنامه‌هایی مانند "پارازیت"، "در ساعت ۵ عصر"، "پولتیک" و ... که تنها هدفشان سیاه نمایی علیه وضعیت داخلی ایران و ایجاد زمینه لازم برای تویجه اعمال تحریم‌های ضد ایرانی توسط غرب بوده است، پیش‌تر چهره حقیقی و خائن خود را برملا کرده است و مردم به قدری بینش و آگاهی دارند که راست را از دروغ تشخیص دهند.

بر اساس اخبار منتشر شده، ۳۰ نفر از اعضای گروه‌های ضد انقلاب از جمله افرادی مانند سیاوش صفوی، احمدی باطنی، مجید محمدی، امیرحسین اعتمادی و ...، با امضا و ارسال نامه ای برای دونالد ترامپ، رئیس جمهور آینده ایالات متحده آمریکا، با بیشرمی و وقاحت تمام، جمهوری اسلامی را هم رده داعش دانسته، با نسبت دادن برخی عملیات‌های تروریستی در کشورهای اروپایی به ایران، کشورمان را عامل و ریشه تروریست‌ها در منطقه معرفی کرده و به فروختن هموطنان ایرانی خود به آمریکا، از رئیس آینده کاخ سفید درخواست کرده‌اند که با اعمال تحریم‌های شدیدتر علیه کشورمان، فضایی را ایجاد کنند که این خائنین بتوانند با عقده‌گشایی، خشم خود در قبال نظام جمهوری اسلامی ایران نمایند.

پیامدهای "توهم کمک" به مردم ایران

یکی دیگر از کارنان این رسانه فارسی‌زبان وابسته به دولت آمریکا که به نامه این وطن‌فروش‌ها واکنش نشان داده، "رضا ویسی" بود که اذعان داشته بود بسیاری از ایرانیان خارج نشین، دچار "توهم کمک" به ملت ایران هستند.

"رضا ویسی" در صفحه شخصی فیس‌بوک خود با انتشار مطلبی کوتاه این گونه آورده است: «هفت سالی که درون کشور نیستم هر روز و شبش را سخت تلاش کرده‌ام نزدیک به زندگی مردمان درون سرزمینم فکر کنم، بنویسم و سخن بگویم تا اگر کمکی نیستم دردی بر دردهای بسیارشان نیفزایم. برخی از ما خارج نشینان گاه بهتر است از توهم کمک کردن به ایران و ایرانیان دست بر داریم و هیچ کاری نکنیم... هیچ...»

این در حالی است که در طول سه دهه‌ای که از پیروزی انقلاب اسلامی ایران گذشته است، وطن‌فروشان ضدانقلابی که خود را ایرانی وفادار و دلسوز به وطن معرفی کرده‌اند، همواره به وسیله‌هایی مختلف از جمله همین رادیو فردا، تلاش کرده‌اند تا با

فضاسازی‌های ضد ایرانی و سیاه‌نمایی علیه وضعیت داخلی کشورمان، زمینه‌ای را فراهم آورد که دشمنان غربی این مرزوبوم بتوانند با بهره‌برداری از آن و با آن بهانه، خصومت‌های خود را عملی کرده و ملت ایران را تحت فشار قرار دهند.

در چنین شرایطی، این به‌ظاهر ایرانیان که نگران هم‌وطنانشان نیز هستند، به یکی از تندترین افراد در دشمنی با ایران که "دونالد ترامپ" رئیس‌جمهوری آینده آمریکا است، نامه می‌نویسند و رسماً و علناً خواستار اعمال فشارهای سیاسی و اقتصادی و تحریم‌های شدیدتر بر مردم کشورمان می‌شوند؛ مردمی که به‌خوبی و با بصیرت بالا تفاوت وطن‌دوست و وطن‌فروش را دانسته و در تمامی حالات، چه با امضای این چنین نامه‌ای و چه با برائت جستن‌های دروغین، واقعیت‌ها را می‌فهمند.

تلاش برای تیرنه ضد انقلاب از خیانتی بزرگ

در ادامه واکنش کارنان رادیو فردا که به رسانه‌ای فامیلی مشهور شده است، برادر "کامبیز حسینی" که در ابتدا به واکنش وی در این خصوص پرداختیم، یعنی "کیوان حسینی" نیز همانند برادرش در صفحه شخصی فیس‌بوک خود، به این نامه و واکنش نشان داده و در حرکتی متفاوت با دیگر همکاران و حتی برادرش، تلاش کرده است تا با طرح ادعایی مبنی بر ناشناخته بودن امضاکنندگان این نامه خائنه، به طور کلی جریان‌های اصلی ضد انقلاب را دران بی‌تقصیر نشان دهد.

"کیوان حسینی" در صفحه فیس‌بوک خود با پرداختن به این ادعا، نوشته است: «یکی از نکات مهم درباره نامه اخیری که خطاب به ترامپ نوشته شده، گمنامی گروه بزرگی از امضاکنندگان است. این مسئله چرا مهم است؟ چون این نامه در تلاش است تا با ارائه تحلیلی از اوضاع سیاسی ایران و همچنین بررسی سیاست خارجی آمریکا در قبال ایران، به رییس‌جمهوری بعدی آمریکا راحل پیشنهاد کند. لحن نامه چنین است که گویا امضاکنندگان نامه، اطلاع دقیقی از وضعیت دارند و به‌واسطه اشرافی که بر اوضاع دارند به این نتیجه رسیده‌اند که تحلیلشان و راحلشان را به شکل عمومی با رییس‌جمهور آمریکا در میان بگذارند. اما اگر نگاهی به اسامی بی‌اندازید، به‌جز مجید محمدی، حتی نام یک نفر دیگر را پیدا نمی‌کنید که در رسانه‌های فارسی که آزادانه فعالیت می‌کنند، به‌عنوان تحلیلگر مسائل ایران یا صاحب‌نظر روابط بین‌الملل با او به‌طور مرتب مصاحبه شود. و فقط هم این نیست که کسی به آن‌ها زنگ نمی‌زند تا با آن‌ها مصاحبه کند. تقریباً هیچ‌کدامشان به‌استثنای مجید محمدی، نظرانشان را به‌طور مستمر درباره تحولات سیاسی ایران و جهان، در چارچوب مقاله نمی‌نویسند. یا اگر می‌نویسند جز احتمالاً وبلاگشان یا فیس‌بوک، در هیچ‌یک از رسانه‌های معتبر مقالاتشان منتشر نمی‌شود. بعد از چند کامنت به این نتیجه رسیدیم که یک توضیح ضروری بنویسیم تا جلوی یک سوء تفاهم را بگیریم. این نکته که گروهی از امضاکنندگان، نام‌هایی ناآشنا هستند، نکته‌ای حاشیه‌ای درباره مسئله نامه جنجال‌برانگیز است. قطعاً مسئله اصلی محتوای نامه است. اما در عین حال اسامی امضاکنندگان و وزن آن‌ها در فضای سیاسی امروز، از متن نامه هم جدا نیست. این پرسش درباره این نامه کماکان پابرجاست که چرا تعداد نام‌های آشنای در پای این نامه انگشت‌شمارند؟»

گذشته از شخصیت و رفتارهای خود "کیوان حسینی" که همانند برادرش کاملاً نشان‌دهنده چهره یک خائن است، باید به این نکته اشاره داشت که امضاکنندگان نامه مذکور که ۳۰ نفر هستند، تماماً افرادی شناخته‌شده در بین جریان‌های مختلف ضدانقلاب هستند؛ افرادی که در زمان حضور در ایران وقایعی تلخ مانند فتنه سال ۱۳۷۸ و ۱۳۸۸ را رقم زدند و پس از فرار به غرب نیز این‌گونه به خیانت‌هایشان ادامه دادند.

برخلاف ادعای این کارمند رادیو فردا، تنها فرد مطرح در میان امضاکنندگان این نامه ضد ایرانی، فقط "مجید محمدی" نبوده است بلکه نام افراد مختلفی در این لیست به چشم می‌خورد؛ "احمد باطنی" و نامزد هم‌فکرش "تارا نیازی"، "امیرحسین اعتمادی"، "نیما راشدیان"، آرش سبحانی، "سیاوش صفوی" و ... جزئی از این افراد هستند که سوابق ضدانقلابی هرکدام کاملاً موجود و غیرقابل‌انکار است.

هرچند این جریان خائن با مطرح کردن نام گروهی گمنام موسوم به «انجمن دانشجویان و دانش‌آموختگان لیبرال ایران» مستقر در آمریکا، تلاش کرده‌اند تا خود را از پیامدهای این خیانت در امان نگاه‌دارند.

بازتاب قطعنامه ضد ایرانی برای فرار از پذیرش قطعنامه ضد صهیونیستی

یکی از اتفاقات دیگری که این هفته را تحت شعاع خود قرار داده بود، قطعنامه تاریخی شورای امنیت سازمان ملل متحد علیه رژیم اشغالگر صهیونیستی و در محکومیت شهرک سازی های بدون توقف اسرائیل در خاک فلسطین بود که واکنش های بسیاری را نیز به دنبال داشت.

اما همزمان با این قطعنامه، سازمان ملل متحد در اقدامی از پیش طراحی شده، با طرح ادعاهای همیشگی غرب علیه وضعیت حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران، کشورمان را به نقض آن ها متهم کرده است و رسانه صهیونیستی - آمریکایی رادیو فردا نیز تلاش کرده است تا با بهره برداری از این رفتار سازمان ملل، با بازتاب قطعنامه ضد ایرانی، ذهن مخاطبین خود را از قطعنامه ضد اسرائیلی تاریخی شورای امنیت دور نگاه دارد.

رادیو فردا در برنامه این هفته "دریچه"، توسط "مهتاب وحیدی راد" گوینده و مجری این برنامه مطرح می کند: «مجمع عمومی سازمان ملل متحد روز دوشنبه قطعنامه ای را تصویب کرد که در آن از وضعیت حقوق بشر در ایران انتقاد شده. این قطعنامه با رأی موافق ۸۵ کشور عضو سازمان ملل به تصویب رسید، ۳۵ کشور با آن مخالفت کردند و ۶۳ کشور دیگر نیز به آن رأی ممتنع دادند. شمار اعدام ها، بازداشت روزنامه نگاران و فعالان مدنی و محدودیت آزادی بیان، وضعیت اقلیت های دینی و شرایط زندانیان سیاسی و عقیدتی در ایران از جمله مواردی است که در این قطعنامه مورد انتقاد قرار گرفته است. این قطعنامه پیش تر در تاریخ بیست و پنجم آبان ماه با همین تعداد رأی در کمیته سوم سازمان ملل نیز به تصویب رسیده بود.»

"حسن نائب هاشم"، که گوینده رادیو فردا وی را "فعال حقوق بشر ساکن وین" معرفی می کند، نیز در تأیید نگرانی های رادیو فردا ادامه می دهد: «متأسفانه نقض حقوق بشر در جمهوری اسلامی آن چنان فاحش هست و آن چنان سیستماتیزه هست و آن چنان گسترده است که سال هاست هم کمیته سوم سازمان ملل و هم خود مجمع عمومی سازمان ملل قطعنامه صادر می کنند در رابطه با ایران و همچنین در رابطه با این مسئله هستند که ایران از جمله معدود کشورهای هستند که گزارشگر ویژه کشوری دارد.»

برنامه "دریچه" و رادیو فردا در شرایطی به این قطعنامه پرداخته اند و آن را اثباتی بر نقض گسترده حقوق بشر در کشورمان می دانند که بررسی واقعیت ها و مقایسه وضعیت داخلی جمهوری اسلامی ایران با بسیاری دیگر از کشورهای جهان، به ویژه کشورهای غربی، نشان می دهد، همان گونه که مقام های کشورمان در واکنش به این قطعنامه به آن تأکید کرده اند، طرح و تصویب آن که با تلاش برخی کشورها مانند کانادا صورت گرفته است، کاملاً سیاسی و جهت دار بوده است.

در شرایطی که عربستان سعودی و متحدانش، با حمایت ها و همکاری های آمریکا، انگلیس و ... تمام زیرساخت های یمن را با خاک یکسان کرده و میلیون ها نفر را به شکل هایی مختلف قربانی تجاوز خود قرار داده اند و در این بین تسلیحات متعلق به غرب بر سر مردان، زنان و حتی کودکان یمنی آوار می شود، در شرایطی که دولت آل سعود و آل خلیفه در عربستان و بحرین، به وفور آزادی مذهب، آزادی زنان، آزادی بیان و ... را زیر پا می گذارند، در شرایطی که تروریست های تحت حمایت غرب سرهای کودکان را در سوریه می برند، در شرایطی که رژیم اشغالگر صهیونیستی در فلسطینیان را در سرزمین های خود به خاک و خون می کشند و ...، آیا صدور قطعنامه سازمان ملل متحد علیه ایران منطقی و از روی حقیقت است؟!

اصلاً آیا انتصاب گزارشگر ویژه حقوق بشری در امور ایران آن هم در حالی که بسیاری از کشورهایایی که در بالا نیز به برخی از آن ها اشاره شد، آشکارا به نقض انسانیت می پردازند، از این موضوع دورمانده اند، حرکتی سیاسی محسوب نمی شود؟! بخصوص وقتی که تنها طیف های سیاسی مخالف نظام جمهوری اسلامی به عنوان منابع اطلاعاتی این گزارشگر ویژه مورد استفاده و توجه قرار بگیرند.

شایان ذکر است که همزمان با این قطعنامه ضد ایرانی در مجمع عمومی سازمان ملل که مخالفان جدی خودش را نیز داشته است و قاطعیتی در تصویب آن مشاهده نمی‌شود، قطعنامه‌ای با قاطعیت و رأی مثبت ۱۴ عضو از ۱۵ عضو شورای امنیت سازمان ملل و بدون حتی یک رأی مخالف به تصویب رسیده است که گویای تنها یکی از رفتارهای رژیم اشغالگر صهیونیستی علیه حقوق انسان‌هاست؛ این قطعنامه که با ۱۴ رأی موافق و یک رأی ممتنع از سوی آمریکا که البته آن نیز به‌نوعی رأی موافق محسوب می‌شود، توسط شورای امنیت سازمان ملل تصویب گردیده است و تداوم شهرک‌سازی‌های اسرائیل در سرزمین‌های فلسطین را محکوم می‌کند، به‌نوعی تاریخی‌ترین و تنها قطعنامه قاطعانه این شورا بر ضد رژیم صهیونیستی نیز محسوب می‌شود که البته با خشم مقام‌های اسرائیل نیز همراه بوده است.

ایستگاه ویژه مشروبات الکلی در رادیو فردا

یکی دیگر از برنامه‌های هفتگی رسانه صهیونیستی – آمریکایی رادیو فردا که به طور ویژه اهداف ضد ایرانی را دنبال می‌کند، "ایستگاه پنجشنبه" است که در بخشی از برنامه این هفته شاهد رونمایی از ایستگاه ویژه رادیو فردا برای تبلیغات مشروبات الکلی بوده‌ایم.

"فرشید منافی" و "آرش حسن نیا" گویندگان برنامه این هفته "ایستگاه پنجشنبه" در بخش ویژه "ایستگاه اقتصاد"، طبق معمول با چاشنی طنز و شوخی و قبحانه، با تلاش در جهت القای این ادعا که مردم در ایران به شدت و به طور معمول به مصرف مشروبات الکلی می‌پردازند، سعی کرده‌اند که این موضوع و مصرف این نوشیدنی‌ها را نیز رفتاری عادی نشان دهند.

این دو گوینده رادیو فردا در مکالمه با یکدیگر با پرداختن به این موضوع، این گونه می‌گویند: «این قضیه مشروبات الکلی اصلاً داستانی شده و همیشه اصلاً چالش راه انداخت. چالش قیمت مشروبات الکلی در هر جا که هستید. مثلاً یک زمانی رو هم میتونیم بذاریم که انتهای منجر به تدوین و تهیه یک گزارش بشه و گزارشش رو هم مثلاً بنویسیم یا بیایم همینجا برای مخاطبای ایستگاه بگیریم. آره برای انتهای سال ۹۵ سوال خوبیه. چالش مشروبات الکلی. قیمت مشروبات الکلی اونجا که شما هستید چنده؟ شاید بتونیم ارزشش هم بکنیم. قیمت‌ها رو کنترل کنیم.»

این در حالی است که بر اساس آمار سازمان بین‌المللی مشروبات الکلی، در آمریکا سالانه بیش از سه میلیارد لیتر از این نوشیدنی‌های الکلی دار مصرف می‌شود.

این سازمان با تأکید بر این واقعیت که "امروزه آمریکایی‌ها مشروبات الکلی را نوشیدنی ملی خود تلقی می‌کنند."، به سیر نزولی قیمت این نوع نوشیدنی‌ها در آمریکا و راحت تر شدن دسترسی مردم به آن‌ها نیز اذعان نموده است.

در گذشته‌ها، مشروبات الکلی به قدری در آمریکا گران بود که به نوعی به نوشیدنی مورد استفاده مردم ثروتمند و کالایی لوکس شناخته می‌شود اما اکنون این روند کاملاً تغییر کرده است و مردم ایالات متحده با حداکثر ۱۵ دلار در ماه که هزینه ای بسیار اندک است می‌توانند به مقدار قابل توجهی از مشروبات الکلی دار دست پیدا کنند.

در ایالات متحده حداقل فقط سه میلیون نوجوان بین ۱۴ تا ۱۷ ساله دچار اعتیاد به مصرف مشروبات الکلی هستند که اکثراً به نقش تبلیغات بالای این نوشیدنی‌ها در اماکن عمومی و رسانه‌های آمریکا در وضعیتی که دچارش هستند، اذعان نموده‌اند.

بعلاوه روزانه بیش از ۶۵ نفر در این کشور به دلیل سوء مصرف مشروبات الکلی دچار سانحه رانندگی شده و جان خود را از دست می‌دهند.

جالب است که خسارت و هزینه‌های کلی ناشی از مصرف مشروبات الکلی در آمریکا به رقمی بیش از ۲۷۶ میلیارد دلار برآورد گردیده است که بسیار قابل توجه است.

در چنین شرایطی و در حالی که آمریکا خود در گرداب مصرف مشروبات الکلی دست و پا می‌زند و هر روز بیش از پیش فرو می‌رود، رادیو فردا و "ایستگاه پنجشنبه" تلاش کرده‌اند تا با دیکته کردن فرهنگ آمریکایی و خواسته‌های آن‌ها، جامعه ایرانی را نیز با همان پیامدهایی همراه سازند که در بالا به بخشی از آن‌ها اشاره گردید.

آلبوم خاطرات سیاست‌های آمریکا در سوریه

آزادسازی "حلب" در سوریه از چنگال تروریست‌های غربی - تکفیری، همانند تیری در قلب حامیان آن‌ها فرو نشسته است و به همین دلیل واکنش پیاپی و مداوم ابزارهای رسانه‌ای وابسته به دولت‌های غربی از جمله رادیو فردا را نیز به دنبال داشته است.

در این هفته نیز ما شاهد انتشار بخشی ویژه در رسانه صهیونیستی - آمریکایی رادیو فردا بوده‌ایم که به نوعی می‌توان از آن به آلبوم خاطرات سیاست‌های آمریکا در سوریه و حلب، یاد کرد.

رادیو فردا در این بخش با استفاده از عنوان «نامش حلب بود» منتشر کرده است، به انتشار تصاویری از بازمانده‌های حلب و مردمش پس از آزادی از چنگال تروریست‌ها پرداخته و در توضیح این عمل خود نیز می‌آورد: «ساعتی پس از آن‌که شورشیان سوری، با روسیه برای خروج از حلب توافق کردند، مسکو از بازگشت کنترل کل شهر به دولت مرکزی خبر داد. با این حساب، حلب که زمانی مهم‌ترین مرکز اقتصادی و بزرگترین شهر سوریه بود، در پی سال‌ها جنگ داخلی، بار دیگر به تصرف کامل نیروهای بشار اسد درآمد. با این تفاوت که آنچه از شهر باقی‌مانده، شباهتی به آنچه از آن توصیف می‌شد، ندارد.»

رادیو فردا در این تصاویر به وضعیت مردمی پرداخته است که یا خود مجروح این جنایت‌ها هستند و یا خانه و کاشانه، دارایی و حتی اعضای خانواده خود را در راستای جنایت‌های این تروریست‌ها از دست داده‌اند؛ اما به‌نوعی جمله‌های خود را بیان می‌کند که نغتنها هیچ‌گونه از این تروریست‌ها و جنایت‌هایشان سخنی به میان نمی‌آورد، بلکه تلاش می‌کند تا خود را دلسوز ملت سوریه و دولت رسمی، قانونی و مشروع این کشور را خون‌خوار و دشمن مردم معرفی کند.

اما آیا بهتر نبود واقعیت آنچه در طول این ماه‌ها اشغال، بر مردم "حلب" و این شهر گذشته است را از زبان خود آن‌ها جویا شویم؛ ماه‌هایی تلخ و سیاه که بزرگترین و یکی از زیباترین شهرهای سوریه را به آوارهایی خاکی و نابودشده تبدیل ساخته و هزاران نفر را قربانی کرده است و در طول این ماه‌ها، این ایالات‌متحده آمریکا و همپیمانان غربی‌اش بودند که با سیاست‌های خود تلاش کردند تا به این اشغالگری تروریست‌ها تداوم ببخشند.

گذشته از این‌که ابتدای درگیری‌ها در سوریه و آغاز فعالیت‌های مسلحانه گروه‌های مختلف تروریستی مانند داعش و جبهه النصره در این کشور، ناشی از سیاست‌های آمریکا بوده است، آیا در دوران اشغال حلب به دست تروریست‌ها، ایالات‌متحده، حتی یکبار برای وضعیت مردم این شهر که در جنگ این جنایت‌کاران اسیر بودند، دل سوزاند؟!

آمریکا و همپیمانان غربی و عربی‌اش در ماه‌هایی که مردم حلب با جنایات تروریست‌ها مواجه بودند و حتی کودک ۱۲ ساله نیز در مقابل دوربین و چشمان جهانیان سر بریده شد، نه تنها نگران مردم این شهر نبودند، بلکه در بودجه سالانه خود، کاملاً رسمی و آشکارا، بخشی ویژه را برای حمایت مالی و تسلیحاتی از این تروریست‌ها و آموزش نظامی به آن‌ها اختصاص داده‌اند.

راديو فردا و ديگر رسانه‌های وابسته به دولت آمریکا در شرایطی که ماه‌ها در برابر جنایات‌های غیرانسانی و وحشیانه تروریست‌ها در حلب سکوت کرده بودند و چشمان خود را بر روی واقعیت‌ها بسته بودند، اکنون که این شهر به دست نیروهای مردمی و دولتی سوریه از چنگال این خون‌خوارهای انسان‌نما درآمده است، این‌گونه دلسوزانه و به شکل‌هایی مختلف، ملت سوریه را مورد هدف محبت‌های بی‌پایان خود قرار می‌دهند.

آیا این نوع رفتارهای دوگانه، دلیلی جز فرار از پذیرش شکست سیاست‌های استعمارگونه آمریکا در سوریه است؟! آیا مخاطبین به‌واقع آن‌قدر ساده‌اندیش و سطحی‌نگر هستند که این‌گونه رفتارهای متناقض و دوگانه را درک نکنند؟!

آنچه در بالا خوانده‌اید، یکصد و سی‌امین شماره از مجله هفتگی راديو ديروز است که همانند هفته‌های پیشین با عنوان "راديو فردا در هفته‌ای که گذشت!" منتشر گردیده و در این شماره به بررسی خلاصه وار بخشی از مهم‌ترین برنامه‌ها و گزارشات این رسانه صهیونیستی – آمریکایی در نخستین هفته از دی ماه ۱۳۹۵ (۰۱ الی ۰۸ دی ماه ۱۳۹۵) پرداخته است.